

Explaining the Ideological Interests of the Islamic Republic of Iran in the so-called The Axis of Resistance

Mohsen Bagheri*, Enayatollah Yazdani**

Mohammad Ali Basiri***

Abstract

The victory of the Islamic revolution and the establishment of the Islamic Republic regime in led Iran to support the Islamic liberation movements and then allies with some them. The most important of which were Lebanon's Hezbollah, Hamas and Islamic Jihad in Palestine, but this was followed by Iran's unification with Syria. This paper intends to explore this question: what has the Iranian resistance in the axis of resistance affected the ideological interests and priorities of the Islamic Republic of Iran? The main discussion of the paper is that the axis of resistance has led to the provision of Islamic ideological and Islamic ideological interests and priorities of the Islamic Republic of Iran. In this regard, by using library and Internet resources and descriptive-analytical methods, the paper attempts to use theory of constructivism on alliance and coalition. The findings of the research indicate that Iran's most important interests and priorities in the alliance with its allies in the resistance axis are: Strengthening the independence and the dignity of the Islamic Republic of Iran, strengthening the Palestinian cause, upholding the rights of the Palestinians and uniting

* Doctorate in international relations , department of political science university of Isfahan (Corresponding Author), bagheri.m12@gmail.com

** Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Administrative Sciences and Economics, university of Isfahan, Isfahan, iran, eyazdan@ase.ui.ac.ir

*** Assistant Professor of Political Science and International Relations Department, Faculty of Administrative Sciences and Economics, university of Isfahan, Isfahan, iran, basiri@ase.ui.ac.ir

Date received: 2021/05/11, Date of acceptance: 2022/10/09



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the Islamic world, strengthening the culture and identity of resistance at the level of the international system, Revision of Western arrangements and norms governing the international system and efforts to strengthen their status revolutionary Islamic order and to cope with the supremacy of Saudi Arabia at the regional level.

Keywords: Ideological Interests, Ontological Security, Alliance, Identity, Axis of Resistance and Iran's Regional Policy.



تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در اتحاد موسوم به محور مقاومت

محسن باقری*

عنایت اله یزدانی**، محمد علی بصیری***

چکیده

حمایت ایران از جنبش‌های حزب الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، در کنار اتحاد با سوریه را می‌توان از جمله مهم‌ترین تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران محسوب نمود. در این بین سوالی که مطرح می‌گردد آن است که: اتحاد ایران در محور مقاومت چه تأثیری بر منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟ مفروض این مقاله آن است که اقدامات ایران در قالب محور مقاومت منجر به تأمین منافع ایدئولوژیک و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران گردیده است. یافته‌های مقاله نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین منافع ایدئولوژیک ایران در اتحاد با متحدانش در محور مقاومت عبارتند از: تقویت استقلال‌طلبی و تأمین عزت نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تقویت آرمان فلسطین، احقاق حقوق فلسطینی‌ها و وحدت جهان اسلام؛ تجدیدنظرطلبی، تقویت بازیگران اسلام‌گرای انقلابی، تقویت فرهنگ و هویت مقاومت در سطح نظام بین‌الملل؛ حفظ منازعه با اسرائیل و مقابله با تهدید وجودی آن، و مقابله با برتری‌طلبی عربستان سعودی در سطح منطقه‌ای.

* دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)،
bagheri.m12@gmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،
eyazdan@ase.ui.ac.ir

*** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،
basiri@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: منافع ایدئولوژیک، امنیت هستی‌شناختی، اتحاد، هویت، محور مقاومت و سیاست منطقه‌ای ایران.

۱. مقدمه

مقدمه مسأله‌ی چرایی حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی در غرب آسیا و به صورت خاص متحدان دولتی و غیردولتی آن در اتحاد موسوم به محور مقاومت، ذهن بسیاری از تحلیل‌گران را به خود مشغول نموده است. چرایی این امر را باید از پیامدهای انقلاب اسلامی در ایران دانست. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سطح خارجی بازتاب‌های متعددی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشت. به صورت خاص، بسیاری از جوامع اسلامی در سراسر جهان به ویژه منطقه خاورمیانه تحت تأثیر امواج پیروزی این انقلاب قرار گرفتند. انقلاب اسلامی و ایدئولوژی آن که اسلام سیاسی شیعی بود، به منبع الهام بخشی برای بسیاری از جنبش‌ها در سطح جهان اسلام تبدیل شد؛ زیرا در این انقلاب بر آرمان‌هایی مانند حمایت از مستضعفان، مسلمانان و فلسطین، مقابله با اسرائیل و استکبار و امپریالیسم تأکید گردید. از این رو بود که در برخی کشورهای منطقه مانند لبنان و فلسطین اشغالی، به دلیل احساس نزدیکی و قرابتی که با ارزش‌های انقلاب اسلامی به وجود آمده بود، زمینه برای پذیرش آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم گردید، بلکه جمهوری اسلامی ایران نیز در کنار این امر بر حسب وظایف و تکلیف شرعی، خود را موظف به تقویت جنبش‌های هم‌سو با آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌دانست.

با پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیکی سیاسی و امنیتی ایران و سوریه فرصت لازم را برای تحکیم پیوندهای بین دو کشور و حضور ایران در جهان عرب را فراهم ساخت. لبنان به عنوان دومین جمعیت شیعی در جهان عرب، نخستین کشوری بود که بیشترین توجه انقلابیون را معطوف به خود نمود. در این بین از یک سو شکل‌گیری اتحاد ایران با سوریه بعد از انقلاب و از سوی دیگر، تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و البته در کنار زمینه‌های قبلی ناشی از اقدامات امام موسی صدر در لبنان منجر به ایجاد جنبش حزب‌الله و اتحاد مستحکم ایران با آن گردید. فلسطین نیز به دلیل اهمیت آرمان فلسطین نزد رهبر انقلاب و نیز تأثیرپذیری رهبران برخی از گروه‌های مقاومت از این انقلاب، به ویژه شهید فتحی شقاقی در جهاد اسلامی، مورد توجه انقلابیون ایرانی قرار گرفت. ایجاد جنبش جهاد اسلامی هم‌زمان با انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری دو جنبش حزب‌الله در لبنان و جهاد اسلامی در فلسطین از انقلاب، فضای لازم را

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۵

برای ایجاد انتفاضه در فلسطین در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۸۰ فراهم نمود که از جمله نتایج آن ایجاد جنبش حماس بود. از این رو بود که ایران در کنار اتحاد با حزب‌الله در دهه‌ی ۱۹۹۰ نسبت به ایجاد روابط عمیق‌تر با حماس و جهاد اسلامی و حمایت از آنها اقدام نمود که نتیجه‌ی این امر پیوستن این دو جنبش به اتحاد ایران- سوریه- حزب‌الله بود. اتحادی که در سال‌های اخیر از آن به عنوان محور مقاومت نام برده می‌شود و بازیگران دیگری را از سایر کشورها از جمله یمن و عراق به خود جذب نموده است.

فراتر از مؤلفه‌های خاص و عمدتاً واقع‌گرایانه و استراتژیک که در روابط ایران با سوریه وجود دارد و به بیان دقیق‌تر تأمین منافع استراتژیک ایران ناشی از کلیت محور مقاومت، تحلیل روابط ایران با حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی، انصارالله، گروه‌های شیعی عراقی و حتی سوریه نیازمند توجه به عوامل، اولویت‌ها و منافع ایدئولوژیک ایران در این خصوص است؛ زیرا متغیرهای هنجاری، ذهنی و هویتی از منظر سازه‌انگاری -به عنوان چارچوب نظری این مقاله- عاملی اساسی‌تر به ویژه در تحلیل رابطه‌ی ایران با حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و انصارالله و نیز نگاه ایران به اسرائیل و آمریکا است.

با توجه به اهمیت بررسی دلایل حمایت جمهوری اسلامی ایران از متحدانش در محور مقاومت و منافع ایدئولوژیک ناشی از آن، این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال اصلی برآمده است که: منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در اتحاد ایران با متحدانش در محور مقاومت داشته است؟ مفروض این مقاله آن است که اقدامات ایران در قالب محور مقاومت منجر به تأمین منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک و امنیت هستی‌شناختی اسلامی جمهوری اسلامی ایران گردیده است. در این راستا در ادامه تلاش می‌شود با کمک نظریه سازه‌انگاری و با تأکید بر مؤلفه‌هایی از قبیل هویت، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به بررسی مسأله اقدام شود.

۲. پیشینه و نوآوری پژوهش

در حوزه‌های مرتبط با این مقاله، پژوهش‌هایی متعددی در داخل و خارج از ایران منتشر شده است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌گردد. در منابع فارسی، نساج و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی» به تحلیل مبانی نظری حاکم بر گفتمان مقاومت اسلامی پرداخته و تلاش شده با نگاه هستی‌شناسانه و گفتمانی زمینه‌های هژمونی این گفتمان در مقابل گفتمان‌های اسلام سکولار و اسلام سلفی و لیبرال

دموکراسی در جهان اسلام، مورد تحلیل قرار گیرد. خانی و محمدی سیرت (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره)» در تبیین نسبت ایدئولوژی با منافع و امنیت ملی ایران به تشریح مبانی ایدئولوژیک و مؤلفه‌های استراتژیک و دیپلماتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی از نظر امام خمینی اشاره نموده است و پیگیری منافع و امنیت ملی بر اساس مؤلفه‌های فوق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه امام خمینی را مطابق با عقلانیت همراه با آرمان‌گرایی و واقع‌بینی دانسته است. یاقوتی (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از منظر سازه‌انگاری به تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و در این مسیر نوع سیاست خارجی ایران را در قبال اسرائیل را نیز با نگاه هویتی مورد ارزیابی قرار داده است، ولی در این بین تنها به تحلیل دلایل اتخاذ جهت‌گیری تخاصم در مقابل اسرائیل پرداخته است. در منابع خارجی نیز اکبرزاده (Akbarzadeh) (۲۰۱۶) در مقاله «چرا ایران به حزب‌الله نیاز دارد؟» (Why Does Iran Need Hizbullah?) به بررسی روابط ایران و حزب‌الله و نقش محاسبات ژئواستراتژیک در این خصوص پرداخته است. در این بین تأثیر ایدئولوژی انقلاب ایران و نسخه خاص اسلام شیعی در تسهیل روابط ایران و حزب‌الله و مشارکت استراتژیک بین آنها را مورد توجه قرار داده و ماهیت رابطه بین دو این بازیگر را در اصل، یک پاسخ استراتژیک به تهدیدات منطقه‌ای دانسته است، ولی وی به روابط سایر اعضای محور و تأثیر آن بر منافع ایدئولوژیک ایران نپرداخته است. زویری (Zweiri) (۲۰۱۶) در مقاله «ایران و پویایی سیاسی جهان عرب؛ مورد یمن» (Iran and Political Dynamism in The Arab World: The Case of Yemen) به تحلیل نقش ایران در یمن در چارچوب روابط عربستان و ایران پرداخته است. نویسنده ضمن بررسی ماهیت روابط ایران با اعراب، قبل و بعد از انقلاب اسلامی به به احساس تهدید کشورهای عربی از خطر صدور انقلاب اشاره نموده و وقوع تحولات سیاسی در کشورهای عراق، لبنان و سوریه را نتیجه دخالت ایران در این کشورها تلقی نموده است. وی در خصوص یمن نیز به پیشینه تحولات سیاسی و نقش شیعیان و به صورت خاص انصارالله در آنها طی سال‌های گذشته پرداخته است و تحولات یمن و به عبارت بهتر اقدامات نظامی عربستان و مؤتلفانش در این کشور را نمودی از جنگ سرد بین ایران و عربستان سعودی محسوب نموده است. اسپینا و گری (Ospina and Gray) (۲۰۱۴) در مقاله «سوریه، ایران و حزب‌الله؛ اتحاد استراتژیک» (Syria, Iran, and Hizbullah: A Strategic Alliance) به چگونگی ایجاد اتحاد بین سه بازیگر پرداخته‌اند و در این

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۷

بین به رخدادهای مؤثر تاریخی در این مسیر از حضور ایران در لبنان و حمایت‌های این کشور از شیعیان در بعد از جنگ سال ۱۹۸۲ اسرائیل علیه لبنان و به صورت خاص نقش آن در ایجاد و تقویت حزب‌الله تا نقش حزب‌الله در سوریه توجه نموده‌اند و بر اهمیت سوریه برای محور و تهدیدات احتمالی تغییر رژیم در سوریه توجه نموده‌اند.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده مرتبط با مسائل این مقاله باید گفت هیچ کدام از آنها به صورت خاص منافع آرمانی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران ناشی از محور مقاومت به عنوان یک مجموعه شامل بازیگران دولتی و غیردولتی را در ابعاد مختلف آن با کمک رویکرد هویتی و سازه‌انگاره مورد توجه قرار نداده‌اند که این مقاله درصدد ورود به این حوزه است.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی با کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و اسنادی است. در این مسیر تلاش می‌گردد به تأثیرات معنایی و هویتی، متغیر مستقل محور مقاومت بر متغیر وابسته یعنی منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. از این رو ضمن تشریح مفاهیم و چارچوب نظری مقاله، با کمک رویکرد سازه‌انگاری به تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران ناشی از محور مقاومت اقدام می‌شود.

۴. مفهوم‌شناسی و چارچوب نظری

با توجه به ضرورت تبیین مفاهیم اصلی در پژوهش، در ابتدا این مفاهیم تشریح گردیده و سپس چارچوب نظری مقاله یعنی اتحاد و ائتلاف از منظر سازه‌انگاری مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱.۴ منافع ایدئولوژیک (Ideological Interests)

منافع ایدئولوژیک شامل تقویت و حفاظت از مجموعه ارزش‌هایی است که اعضای یک نظام دولت-ملت در آن اشتراک نظر دارند و اعتقاد دارند که برای داشتن جهانی خوب وجود آنها ضروری است. این منافع، از یک سو برخاسته از نگاه متفاوت رهبران و بر اساس ایدئولوژی و ارزش‌های مورد نظر دولت‌ها و از دیگر سو حاصل یک روند سیاسی است. از جمله نمودهای

منافع ایدئولوژیک می‌توان به منافع نظم جهانی (World Order Interest) اشاره نمود (Nuechterlein, 1976: 248-249). در تشریح منافع ایدئولوژیک به عنوان مفهوم کلیدی در این مقاله باید گفت از آنجا که منافع دولت‌ها در خلأ ایجاد نمی‌شود و ایدئولوژی و ارزش‌های آنها در این امر بسیار تأثیرگذار است، بر این اساس منافع ایدئولوژیک در این مقاله، منافع را شامل می‌شوند که تقویت‌کننده ایدئولوژی، نظام ارزشی و باورها و ملاحظات عقیدتی حاکم بر یک نظام سیاسی در سطوح ملی و فراملی است و در خصوص جمهوری اسلامی ایران، برخاسته از نگاه ایدئولوگ انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار آن یعنی امام خمینی (ره) و ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعی آن است. البته تعریف ایدئولوژی در منافع ایدئولوژیک ایران، موسع و نه مضیق با نگاه غربی است و با اغماض، از تفاوت‌های نظری در خصوص تلقی اسلام سیاسی شیعی به عنوان یک ایدئولوژی، چشم پوشیده می‌شود.

۲.۴ محور مقاومت (Axis of Resistance)

محور مقاومت یا «جبهه‌ی مقاومت (جبهه‌المقاومه)» عبارت است از: اتحاد نظامی و سیاسی که بین ایران، سوریه و قوی‌ترین بازیگران غیردولتی عربی یعنی حزب‌الله لبنان و حماس (و جهاد اسلامی) در فلسطین، شکل گرفته است (Bank André and Mohns, 2012: 26). البته این بازیگران هسته‌ی اصلی این اتحاد را تشکیل داده‌اند که در دو دهه‌ی اخیر محور گسترش یافته است و بازیگران دیگری مانند شبه‌نظامیان شیعه در عراق و انصارالله در یمن به آن پیوسته‌اند.

۳.۴ اتحاد (Alliance)

اتحاد عبارت است از یک رابطه رسمی یا غیررسمی در خصوص همکاری‌های امنیتی و حمایت متقابل بین دو یا چند دولت (و نیز بازیگران غیردولتی) است که انتظارات متقابلی را در خصوص هماهنگی سیاسی درباره مسائل امنیتی در شرایط خاص زمانی در آینده را در پی دارد (Barnett and Levy, 1991: 370).

۴.۴ امنیت هستی‌شناختی (Ontological Security)

امنیت هستی‌شناختی (یا هویتی) دولت‌ها به معنی «امنیت نفس، وجود و هویت» آنها است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰-۹).

در تشریح نسبت مفاهیم فوق با فرضیه و ادعای پژوهش باید گفت در پاسخ به سوال اصلی مقاله مبنی بر این که: اتحاد ایران در محور مقاومت چه تأثیری بر منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟ مفروض این مقاله آن است که اقدامات ایران در قالب محور مقاومت منجر به تأمین منافع ایدئولوژیک و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران گردیده است، پس در این پژوهش، متغیر مستقل محور مقاومت است و متغیر وابسته منافع ایدئولوژیک ایران است و در این مقاله سعی می‌گردد به چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت یا سیاست منطقه ای ایران در حمایت از متحدان دولتی و غیردولتی بر منافع ایدئولوژیک این کشور پرداخته شود.

۵.۴ چارچوب نظری: اتحاد و ائتلاف از منظر سازه‌انگاری (Constructivism)

سازه‌انگاران معتقدند که هویت دولت، نقش اساسی در تعریف تهدیدات و نیز انتخاب شرکای اتحاد ایفا می‌کند. بر اساس این رویکرد با کمک متغیر و سیاست هویت می‌توان مشخص نمود که کدام یک از دولت‌ها، تهدید فوری یا بالقوه برای امنیت بازیگر محسوب می‌شوند و در مقابل، کدام یک، شرکای مطلوب تری محسوب می‌شوند، پس از این منظر بین هویت و رفتار استراتژیک دولت‌ها ارتباط وجود دارد (Barnett, 1996: 327-330).

از نظر سازه‌انگاری، هویت هر دولت به صورت غیرمستقیم ترجیحات و کنش‌های بعدی آن دولت را نمایان می‌کند؛ زیرا هر واحد سیاسی بر اساس هویتی که به دیگران نسبت می‌دهد آنها را می‌شناسد و هم‌زمان با استفاده از اقدامات اجتماعی روزمره‌ای که انجام می‌دهد هویت خودش را باز تولید می‌کند. در عین حال هویت دولت، عرصه‌ی بین‌المللی را تا اندازه‌ای نتیجه‌ی رویه‌های اجتماعی می‌داند که آن هویت را در داخل می‌سازند. بر این اساس، سیاست هویت در داخل، محدود کننده و تأیید کننده هویت، منافع و اقدامات دولت در خارج است (هوپف، ۱۳۹۳: ۴۸۰-۴۷۸، ۴۵۶). از این منظر تحلیل اتحاد ایران و حزب‌الله بر اساس هویت اسلامی- شیعی طرفین انجام می‌شود و رابطه‌ی ایران با حماس و جهاد اسلامی بر اساس هویت اسلامی و خوانش انقلابی از آن استوار است.

یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه سازه‌انگاری، امنیت هستی‌شناختی است. از نظر امنیت هستی‌شناختی (Ontological Security) دولت‌ها بازیگرانی خردمند هستند و ضمن اینکه ضرورت تأمین امنیت فیزیکی دولت‌ها را انکار نمی‌کند، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رفتاری آنها را در سطح بین‌المللی، تأمین امنیت هستی‌شناختی از طریق «تثبیت و تقویت هویت ملی،

شرافت و عزت» آنها محسوب می‌کند. از این رو دولت‌ها ممکن است بر اساس تحلیل هزینه-فایده، اولویت بیشتری را برای امنیت هستی‌شناختی در مقایسه با امنیت فیزیکی قائل شوند. به گونه‌ای که حتی در صورت کاهش امنیت فیزیکی، آنها اقدام به انجام یک رفتاری می‌کنند که امنیت هستی‌شناختی آنها تأمین شود. البته این امر به معنی انکار اهمیت امنیت فیزیکی نیست بلکه به این معنی است که بسیاری از رفتارها و اقدامات دولت‌ها را نمی‌توان با هدف و انگیزه تأمین فیزیکی تنها، تبیین نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰-۹). بر این اساس می‌توان گفت از منظر سازه‌انگاری یکی از دلایلی که دولت‌ها اقدام به تشکیل اتحاد می‌کنند تلاش برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات هویتی و تأمین امنیت هستی‌شناختی خویش و هم‌پیمانان آنها است.

از منظر سازه‌انگاری عامل تعیین کننده در تحلیل رابطه‌ی جمهوری اسلامی ایران و متحدانش در محور مقاومت به ویژه حزب الله، حماس و جهاد اسلامی و حتی انصارالله و نیز نوع نگاه این کشور به اسرائیل و آمریکا پیش از آنکه بر اساس توانمندی‌های مادی باشد بر اساس متغیرهای هنجاری، ادراکی، ذهنی و هویتی است. از این منظر تحلیل اتحاد ایران و حزب الله، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله و بازیگران شیعی در عراق را بر اساس هویت اسلامی-انقلابی طرفین انجام می‌شود؛ زیرا یکی از دلایل مهمی که دولت‌ها به سمت تشکیل اتحاد با سایر بازیگران دولتی و حتی غیردولتی حرکت می‌کنند وجود اشتراکات ایدئولوژیک و نقش آن در همکاری بین‌المللی و اتحاد در رابطه‌ی بین ایران و متحدان غیردولتی آن، و تخصص ایدئولوژیک، و وضعیت منازعه و تهدید بین ایران و اسرائیل است. پس لازم است به متغیر اسرائیل در این رابطه توجه شود.

سازه‌انگاری در تحلیل اتحادها و از جمله محور مقاومت بیشتر به عوامل معنایی توجه می‌کند. این نظریه بر تأثیر اتحادها بر امنیت هستی‌شناختی یا هویتی نیز پای می‌فشارد، که این امر مستلزم توجه به تأثیر این اتحاد بر منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به اینکه این رویکرد از توان لازم برای تبیین تأثیر محور مقاومت بر امنیت هستی‌شناختی و منافع ایدئولوژیک و نیز ساختار معنایی نظام منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است، از آن برای تحلیل این مسائل نیز استفاده می‌شود. با توجه به تأکیدی که سازه‌انگاری بر شکل‌دهی منافع بر اساس هویت، ارزش‌ها و هنجارها می‌کند به خوبی می‌توان دریافت که منافع نه تنها ثابت نیستند و بر اساس هویت بازیگران، تعریف می‌شود و در عین حال، منافع از نظر درجه اولویت یکسان نیستند به گونه‌ای که در برخی مواقع دولت‌ها حتی برای تأمین منافع مبتنی بر هویت و ایدئولوژی خود، امنیت فیزیکی خویش را در معرض خطر قرار می‌دهند. بر اساس

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۱۱

این رویکرد در این مقاله با کمک توان تحلیلی سازه‌انگاری در تبیین منافع حاصل از ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعی و برگرفته از هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران که هویت‌های غالب آن در حوزه محور مقاومت هستند به تحلیل تأثیر محور مقاومت بر منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌شود.

۵. منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در اتحاد با متحدانش در قالب محور مقاومت

در تعریف منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، هویت اسلامی - انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران و عناصر، مؤلفه‌ها و مبانی شکل دهنده این هویت، نسبت به سایر ارکان هویتی جمهوری اسلامی ایران مانند ایرانیت، تأثیرگذارتر است، این امر ناشی از ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران و نظام برخاسته از آن است که مبتنی بر اسلام سیاسی - شیعی است. با توجه به وجود رابطه‌ی تکوینی و قوام‌بخش بین هویت و منافع، این خوانش از هویت، منجر به تعریف یک سلسه منافع برخاسته از ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعی، هنجارها و ارزش‌های آن برای ایران گردیده و بسیاری از کنش‌های عدالت‌خواهانه‌ی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خویش از جمله حمایت از جنبش‌های مقاومت در منطقه را موجب شده است. اهمیت هویت اسلامی و انقلابی ایران و منافع ایدئولوژیک برخاسته از آن به گونه‌ای است که هر گونه رفتار برخلاف مبانی، ارکان و مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی این هویت، امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین یکی از مهم‌ترین دلایل ایفای نقش پررنگ ایران در شکل‌گیری و تداوم محور مقاومت ناشی از آن است که این اتحاد، منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران را - البته در کنار منافع استراتژیک آن - تأمین می‌کند، در عین حال حضور ایران در این اتحاد نه تنها هم‌سو با مبانی، مؤلفه‌ها و ارکان تشکیل دهنده‌ی هویت جمهوری اسلامی ایران است، بلکه منجر به تأمین امنیت هستی‌شناختی آن نیز گردیده است، که در ادامه به تبیین چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت بر تأمین منافع ایدئولوژیک و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران و نمودهای این امر اقدام می‌شود.

۱.۵ تقویت استقلال طلبی و تأمین عزت نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل

در تحلیل سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خصوص محور مقاومت با کمک رویکرد سازه‌نگاری، عزت‌مندی، غرور و افتخار از مؤلفه‌های اساسی آن است (رستمی و غلامی حسن‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۲). در این بین اهمیت تأمین عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که بنیادها و پایه‌های فلسفی سیاست خارجی جمهوری ایران بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت استوار است. اصل عزت بر تأمین قدرت (Power) و اقتدار، در رفتار، اقدامات و اهداف تأکید می‌کند. اهمیت این اصول و مفاهیم به گونه‌ای است که می‌توان بر مبنای آن اهداف و ابزارهای سیاست خارجی ایران را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی درک نمود (Abedin, 2011: 625). از این منظر باید گفت بدیهی است که اقدامات محور به عزت و اقتدار ایران در سطح نظام بین‌الملل منتهی گردیده است. نتایج اقدامات ایران و متحدانش در محور مقاومت، این کشور را که، به تعبیر گازیوروسکی (Gasiorowski) (گازیوروسکی، ۱۳۷۱) در دوره پهلوی صرفاً دولتی دست‌نشانده و فاقد تأثیرگذاری بوده است به چنان قدرتی رسانده است که در کنار هم‌پیمانان دولتی و غیردولتی خود به اصلی‌ترین بازیگران در منطقه‌ی خاورمیانه و مهم‌ترین تهدیدات علیه مرکز ثقل منافع امنیتی غرب یعنی اسرائیل تبدیل نموده است. ایران در قالب اتحاد با متحدان خود در محور مقاومت این احساس عزت و استقلال خود را که یکی از ارکان هویت جمهوری اسلامی ایران است به نمایش می‌گذارد.

با توجه به اینکه عزت نیز همانند امنیت، مفهومی بیناذهنی است و سطوح مختلف فردی، اجتماعی یا ملی و فراملی را شامل می‌شود بر اساس نگاهی مبتنی بر رویکرد سازه‌نگارانه و نیز امنیت هستی‌شناختی می‌توان گفت اقدامات ایران در چارچوب محور مقاومت تأمین‌کننده آن انتظار هویتی از خود در هویت اسلامی-ایرانی و شیعی است. در تبیین مدعای فوق یعنی چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت بر افزایش عزت جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به نتایج اقدامات محور مقاومت اشاره نمود. اقدامات ایران و متحدانش در چارچوب محور مقاومت، ایران را به مهم‌ترین بازیگر تعیین‌کننده در مسائل منطقه - از جمله در کشورهای لبنان، فلسطین اشغالی، یمن، عراق و سوریه - تبدیل نموده است، در عین حال ایران از طریق متحدانش در محور توانسته است در مسائل کلان کشورهای حوزه‌ی اقدام محور، حضوری تعیین‌کننده و تأثیرگذار داشته باشد. همچنین ایران با همکاری متحدانش در محور، هژمونی

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۱۳

آمریکا و منافع و امنیت آن را در منطقه به چالش کشیده است و قادر گردیده با کمک متحدان به ویژه در سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی به ایجاد بازدارندگی پایدار در مقابل هر نوع تهاجم احتمالی ایالات متحده و نیز رژیم اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران دست یابد. این امر با استفاده از رویکرد امنیتی مبتنی بر محاصره نظامی و امنیتی اسرائیل با کمک متحدان (به ویژه در لبنان و غزه) و تضعیف ضریب دفاعی-امنیتی این رژیم، انجام شده است. این رویکرد به ویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد و به صورت خاص از جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل و جنگ های متعدد بین جنبش های فلسطینی حماس و جهاد اسلامی و اسرائیل در سال های اخیر (۲۰۱۴، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) تشدید شده است. اقدامات موفق محور در مقابل اسرائیل منجر به درهم ریختن اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل، تکرار شکست های متعدد نظامی اسرائیل (آن هم نه در مقابل عملیات مستقیم نظامی ایران بلکه در مقابل اقدامات محدود متحدان غیردولتی ایران) و تضعیف بازدارندگی این رژیم گردیده است. این شرایط منجر به برتری نظامی محور و تسلط عملیاتی آن بر تمامیت اراضی سرزمین غصب شده توسط رژیم اسرائیل شده است. نتیجه این امر تشدید موج مهاجرت معکوس به اسرائیل ناشی از هراس تهاجمات بعدی محور به سرزمین های اشغالی بوده است.

در عین حال اقدامات ایران و متحدانش در قالب محور مقاومت منجر به افزایش تأثیرگذاری ایران در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه و افزایش اقتدار نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران شده است. این امر در نهایت به تأمین عزت مورد نظر جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی داری هویت اسلامی-انقلابی انجامیده است. از این رو هر پدیده ای که بتواند در راستای تقویت و تأمین مؤلفه های هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، ضمن تأمین منافع ایدئولوژیک ایران، استحکام و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران را تقویت خواهد نمود. این امر در نهایت به تقویت اقتدار این نظام منجر خواهد شد، اقدامات محور مقاومت در استحکام بخشی به نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل سیل تهدیدات استراتژیک (امنیتی) و ایدئولوژیک از سوی رژیم هایی مانند اسرائیل، آمریکا و عربستان سعودی و... نقش آفرین بوده است.

۲.۵ حفظ منازعه با اسرائیل و مقابله با تهدید وجودی آن

تحلیل منازعه‌ی جمهوری اسلامی ایران با رژیم اسرائیل با کمک نظریه‌ی سازه‌نگاری نشان می‌دهد که این منازعه بیشتر از آنکه سیاسی باشد ایدئولوژیک است. این امر به دلیل ماهیت

صهیونیستی رژیم اسرائیل است. جمهوری اسلامی ایران از آنجا که بر اساس نموده‌های ایدئولوژیک خویش رژیم اسرائیل را دولتی غاصب تلقی می‌نماید به تبع از هر فرصتی برای گسترش منازعه با این رژیم استقبال می‌نماید. یکی از این ابزارها گروه حزب‌الله است؛ زیرا حزب‌الله نیز به عنوان یک گروهی شیعی بر اساس باور به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، اعتقاد به غاصب بودن اسرائیل و ایفای نمایندگی استکبار یعنی آمریکا، توسط این رژیم را دارد. از این منظر که یکی از مهم‌ترین تهدیدهای ایدئولوژیک پیش روی جمهوری اسلامی ایران رژیم اسرائیل است. رهبران ایران خواستار نابودی اسرائیل بوده و هستند در این مسیر، ایران برای مقابله با تهدیدات رژیم اسرائیل با ایجاد ائتلاف ایدئولوژیک راهبردی با سوریه و حزب‌الله و نیز حماس و جهاد اسلامی (و سایر متحدان غیردولتی خویش) نسبت به کاهش تهدیدات این رژیم اقدام می‌نماید و با تشدید منازعه به تثبیت و تعریف خاص از هویت شیعی-انقلابی خویش مبادرت می‌ورزد و آن را گامی در جهت تحکیم تصویر خویش از منادی مبارزه با صهیونیسم و نظام سلطه جهانی محسوب نموده است. این امر به عنوان عنصر مهمی در تحکیم روابط ایران با حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی نقش ایفا کرده است.

جمهوری اسلامی ایران با سرمایه‌گذاری در لبنان و فلسطین و بر روی حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی (حضور در سوریه و حمایت از شبه‌نظامیان شیعی در این کشور) در مجاورت مرزهای اسرائیل، (و حتی سایر متحدان مانند انصارالله در یمن یعنی مجاور عربستان و شبه‌نظامیان شیعی عراقی) ضمن برخورداری از نفوذ بر این جنبش‌ها در مقابل اسرائیل و در مجاور آن، دارای اهرم تهدیدکننده‌ی امنیت ملی این رژیم و تأمین‌کننده‌ی مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است و از آن در جهت خنثی نمودن تهدیدات آمریکا نیز بهره می‌گیرد، حتی از آن در کاهش و دفع تهدیدات از سوی اسرائیل و متحدانش علیه متحد استراتژیک خود؛ یعنی سوریه نیز بهره برده است. بنابراین از این منظر مقابله با اسرائیل به منافع استراتژیک و ایدئولوژیک و امنیت هویتی، و امنیت فیزیکی ایران توأمان خدمت می‌نماید.

تحلیل سازه‌نگارانه‌ی رابطه‌ی جمهوری اسلامی ایران به ویژه با حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و نیز نوع نگاه ایران به اسرائیل و آمریکا نشان می‌دهد که این امر بیش از آنکه بر اساس توانمندی‌های مادی استوار باشد بر اساس متغیرهای هنجاری، ادراکی، ذهنی و هویتی است. از این منظر تحلیل اتحاد ایران و حزب‌الله را بر اساس هویت اسلامی-شیعی طرفین انجام می‌شود. در عین حال اتحاد ایران و حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و سایر متحدان غیردولتی ایران در منطقه از قبیل انصارالله و شیعیان عراق در راستای تأمین منافع ایدئولوژیک و

استراتژیک تحلیل می‌گردد. از این منظر یکی از دلایل مهمی که دولت‌ها به سمت تشکیل اتحاد با سایر بازیگران دولتی و حتی غیردولتی حرکت می‌کنند وجود اشتراکات ایدئولوژیک و نقش آن در همکاری بین‌المللی و اتحاد است. در تبیین رابطه‌ی بین ایران و متحدان غیردولتی آن، و تخصص ایدئولوژیک، و وضعیت منازعه و تهدید بین ایران و اسرائیل نیز این امر صادق است. پس لازم است به متغیر اسرائیل در این رابطه نیز توجه شود.

جهت‌گیری ایران در مقابل اسرائیل را جدا از اولویت‌های ایدئولوژیک باید بر این اساس تحلیل نمود که این کشور در مقابل اقدامات امنیت‌زدای آمریکا و اسرائیل علیه خویش، به طور متقابل در صدد ایجاد نامنی برای اسرائیل با استفاده از حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز هم‌سو با خویش برآمده است، تهدید به نابودی اسرائیل نیز در این راستا می‌گنجد؛ زیرا اسرائیل و نیز ایدئولوژی آن از نظر جمهوری اسلامی ایران تهدیدی وجودی است. این امر را می‌توان از منظر امنیت هستی‌شناختی تحلیل نمود. زیرا صرف تهدید تلقی نمودن اسرائیل از سوی ایران یکی از دلایل شکل‌گیری اتحاد ایران با سوریه و سپس حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بوده است ولی ایران با کمک متحدانش برای مقابله با این تهدید، تنها به اقدامات تدافعی متوسل نشده‌اند بلکه متحدان غیردولتی ایران در محور با اقدامات تهاجمی خود در طول بیش از سه دهه‌ی گذشته در لبنان و فلسطین و حتی عراق و نیز سوریه، امنیت و منافع رژیم اسرائیل را تهدید و تضعیف نموده‌اند. این امر از طریق تقویت توان نظامی متحدان ایران، کاهش قدرت بازدارندگی رژیم اسرائیل، تقویت عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران و توان بازدارندگی منطقه‌ای ایران و نیز کاهش احتمال تهاجم نظامی آمریکا، رژیم اسرائیل و سایر متحدان غربی آنها به ایران انجام شده است.

بنابراین باید گفت بر اساس راهبرد گسترش عمق استراتژیک، نگرش ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در خصوص اسرائیل (و عدم پذیرفتن مشروعیت این رژیم و منازعه و تخصص با آن) به منافع استراتژیک (و نیز ایدئولوژیک) ایران کمک نموده است؛ زیرا ایران به واسطه‌ی بهره‌برداری از این نگرش در سیاست امنیتی خود (که منجر به حمایت از جنبش‌هایی مانند حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی و نیز انصارالله شده است)، توانسته است به شرق جهان عرب دسترسی پیدا کند. با توجه به منافی که ایران از این منازعه‌ی کم‌شدت به دست آورده است، می‌توان گفت تا زمانی که ایران با استفاده از جنگ نیابتی به رویارویی غیرمستقیم با اسرائیل اقدام می‌کند و با استفاده از این نوع نبرد از رویارویی مستقیم با اسرائیل اجتناب می‌کند این تضاد، به منافع استراتژیک و ارزش‌های ایدئولوژیک ایران کمک می‌کند- (Takeyh, 2009: 68).

مقام معظم رهبری نیز در مواضع خویش یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را حمایت از هر گونه اقدام علیه امنیت ملی اسرائیل بیان می‌کنند. در این راستا آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر عدم استمرار بقای رژیم صهیونیستی در طی دهه‌های آینده، به پتانسیل ایران و گروه‌های مقاومت متحد این کشور در مقابل اسرائیل اشاره نموده و اظهار داشتند «در همین مدت هم روحیه‌ی اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۱۸). سایر مواضع مقام معظم رهبری از قبیل: «حمایت از فلسطین، انفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیان آن از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۴)، جمهوری اسلامی از هر ملت و گروهی که با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، پشتیبانی و حمایت خواهد کرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) و نیز اظهار نظر ایشان مبنی بر اینکه «رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴) در راستای حفظ و تداوم منازعه با اسرائیل و نقش متحدان غیردولتی سنی و شیعی ایران در این منازعه ایدئولوژیک و استراتژیک است. توان نظامی و عملکرد متحدان غیردولتی ایران در لبنان، فلسطین، سوریه و حتی عراق و یمن نیز نمایانگر تأمین منافع ایدئولوژیک و نیز استراتژیک ایران به واسطه حمایت از این متحدان و اتحاد با آنها در مقابل رژیم اسرائیل و آمریکا و نیز عربستان سعودی است.

۳.۵ تقویت آرمان فلسطین، احقاق حقوق فلسطینی‌ها و وحدت جهان اسلام

یکی از مهم‌ترین اهداف و منافع ایدئولوژیک و نیز مؤلفه‌های تقویت‌کننده‌ی هویت اسلامی و انقلابی ایران در محور مقاومت، تقویت آرمان فلسطین و جلوگیری از فراموشی آن و مقابله با ارضی کردن آن منازعه است که از طریق اتحاد با سوریه و نیز حمایت از حزب الله، حماس و جهاد اسلامی و حتی انصارالله (به خاطر ماهیت ضداسرائیلی این جنبش) در حال انجام است. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران، حتی ایجاد و تقویت گروه‌های سلفی تکفیری توسط محور آمریکا را به منظور فراموشی آرمان فلسطین و در جهت خدمت به منافع نظام سلطه می‌داند. در همین راستا مقام معظم رهبری یکی از اهداف اساسی تشکیل و تقویت گروه‌های سلفی تکفیری را ایجاد غفلت از مسأله‌ی فلسطین می‌داند و اظهار می‌دارند که

خط مقدم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. اینها [حرکت‌بیداری اسلامی به تعبیر ایشان] باید علیه رژیم صهیونیستی به کار می‌رفت. جریان تکفیر جهت این

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۱۷

مبارزه را تغییر داد و آورد داخل خانه، داخل شهرهای ما، داخل ممالک اسلامی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴).

البته اقدامات ایران با کمک متحدانش در محور مقاومت در مقابله با تروریسم سلفی تکفیری در منطقه و ایجاد ثبات بخشی در عراق و نیز سوریه، جبهه‌ی غربی و عربی مقابل ایران را در دستیابی به اهدافش ناکام گذاشت.

مقام معظم رهبری معتقد است اقدامات گروه‌های سلفی - تکفیری و دولت‌های حامی آنها کاملاً در جهت منافع نظام سلطه به رهبری آمریکا، و منافع رژیم صهیونیستی و تلاش برای غفلت دنیای اسلام از قضیه‌ی فلسطین بوده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴). با این توصیف می‌توان گفت که تشکیل و تداوم و تقویت محور مقاومت نه تنها تأمین‌کننده‌ی منفعت ایدئولوژیک (و نیز استراتژیک) ایران در خصوص تداوم حیات آرمان فلسطین است بلکه تقویت‌کننده هویت و امنیت هویتی جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا عدم حمایت ایران از این آرمان با هویت آن سازگاری ندارد و نیازهای هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی - انقلابی آن نه تنها تأمین نمی‌نماید بلکه حتی تهدید می‌کند. بر این اساس است که ایران علی‌رغم فشارهای متعدد بین‌المللی و حتی با پذیرفتن بسیاری از تهدیدات برای امنیت ملی (فیزیکی) خویش به حمایت از فلسطین و تداوم منازعه با اسرائیل ادامه می‌دهد تا امنیت هستی‌شناختی و منافع ایدئولوژیک خود را تأمین نماید.

از بعدی کلان‌تر صرف حضور و قدرت‌یابی محور مقاومت در عرصه‌ی معادلات سیاسی و امنیتی خاورمیانه، نمایان‌گر عینی شدن شعار ایران در خصوص وحدت اسلامی است؛ زیرا ایران در کنار حمایت‌های زیادی که از شیعیان لبنان و حزب‌الله در مقابل اسرائیل انجام داد از جنبش‌های سنی مانند حماس و جهاد اسلامی که در مسیر آرمان فلسطین گام بر می‌دارند نیز حمایت‌های متعدد سیاسی و نظامی نموده است. پس از این منظر، تشکیل و تداوم محور مقاومت به نقش ایران به عنوان حامی وحدت در جهان اسلام خدمت نموده است و ضمن تأمین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، امنیت هویتی آن را نیز تقویت نموده است؛ زیرا این محور در مسیر و متناسب با هویت اسلامی آن حرکت نموده است. در عین حال ایران با حمایت و نیز اتحاد با تمامی جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی مبارز معتقد به ایدئولوژی اسلام سیاسی انقلابی در چهارچوب محور مقاومت، تلاش می‌کند، امت اسلامی را مستقر نموده و وحدت اسلامی را به عنوان منفعتی ایدئولوژیک و از جمله مبانی بین‌ذهنی تشکیل دهنده‌ی هویت جمهوری اسلامی ایران تقویت نماید. این امر مورد تأکید رهبر جمهوری اسلامی ایران

نیز قرار گرفته است. حمایت ایران از حزب الله، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله، و نیز سایر گروه‌های شیعه و نیز سنی را می‌توان نشان دهنده هویت و رویکرد امت‌گرای جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای وحدت جهان اسلام و تأمین کننده امنیت هویتی آن تلقی نمود.

پذیرفتن هنجار و قواعد مذهب شیعه مانند قاعده فقهی مانند نفی سیل، هنجارهای مقابله با ظلم و استکبار، عدالت طلبی و حمایت از مستضعفان و محرومان بر هویت و منافع جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است. این قواعد و هنجارها ضمن ایجاد هویت مدافع مسلمانان و مستضعفان و به بیان دقیق‌تر هویت اسلامی- انقلابی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری به تبع، منافع متناسب با آن را تعریف نموده که در مقابله با رژیم صهیونیستی، حمایت از آرمان فلسطین و مقابله با استکبار نمود یافته است.

تلاش‌های مستمر ایران در طول دهه‌های گذشته در جهت ارتقای توان نظامی جنبش‌های متحد خویش در محور مقاومت - در فلسطین اشغالی، لبنان و یمن - نه تنها موجب افزایش عمق استراتژیک دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران گردیده است بلکه با تغییر ماهیت منازعه در فلسطین از انتفاضه سنگ در سال ۱۹۸۷ به توان نبرد نظامی و موشکی در دهه‌های اخیر، توان تاب‌آوری و مقاومت متحدان فلسطینی ایران را در مقابل رژیم صهیونیستی (به ویژه در جنگ‌های متعدد رخ داده بین آنها از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲) به شدت افزایش داده است و در مقابل به تضعیف توان تاب‌آوری، قدرت بازدارندگی و امنیت ملی اسرائیل انجامیده و فلسطینی‌ها را در احقاق حقوق اولیه‌ی انسانی خویش در برابر رژیم صهیونیستی یاری نموده است. این امر ضمن ارتقای جایگاه ایران در حوزه مسائل فلسطین و منطقه، به تقویت آرمان فلسطین در جهان اسلام انجامیده است، موضوعی که از جمله حیاتی‌ترین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

اقدامات ایران در قبال فلسطین منجر به این امر شده است که ایران در سطح جهان اسلام و فلسطین اشغالی به عنوان حامی مردم فلسطین مطرح شود. اگر چه نمی‌توان تأثیرات منفی اقدامات رسانه‌ای طرف‌های مقابل ایران در جلوگیری از ایجاد تصویر واضح از ایران انقلابی و حامی فلسطین در منطقه را انکار نمود. ولی برای همه‌ی طرف‌ها در منطقه اعم از ملت‌های اسلامی و حتی نخبگان عربی و اسلامی، حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مقاومت در فلسطین امری آشکار بوده و تأثیر آن بر تغییر موازنه قدرت به نفع گروه‌های مقاومت و فلسطینی‌ها غیرقابل انکار است.

۴.۵ تجدیدنظرطلبی، تقویت بازیگران اسلام‌گرای انقلابی و فرهنگ و هویت مقاومت در نظام بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیر مهمی در ظهور و قدرت‌یابی اسلام انقلابی به عنوان یک ایدئولوژی برجای گذاشت. نفس بقا و استمرار انقلاب اسلامی علی‌رغم تلاش‌هایی که برای سرنگونی آن انجام گردید، مهم‌ترین واقعیت در خصوص ایران و جایگاه آن در نظام بین‌الملل است (خانی، ۱۳۸۷: ۳۵۶). محور مقاومت نقش مهمی در گسترش و قدرت‌یابی اسلام انقلابی در منطقه ایفا نموده است. اسلام سیاسی انقلابی امام خمینی (ره) جدا از آنکه به عنوان یکی از عناصر اساسی تشکیل‌دهنده محور مقاومت و ایفای نقش منطقه‌ای ایران بوده است خود در بقای جمهوری اسلامی و تثبیت آن تأثیرگذار بوده است، این امر در شرایطی رخ داده است که این محور توانسته است با تهدیدات زیادی علیه جمهوری اسلامی مقابله کند. از سوی دیگر اسلام سیاسی یکی از ارکان تشکیل‌دهنده هویت و امنیت هویتی جمهوری اسلامی بوده است، که توانسته است در حوزه‌های مختلف به منافع ایدئولوژیک و هویتی و منافع استراتژیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خدمت نماید.

ایران ضمن تأکید بر آرمان‌های انقلابی بر نفی نظام سلطه، مبارزه با این نظام و مظهر آن یعنی آمریکا تأکید می‌کند و به دنبال برقراری نظامی عادلانه و برهم زدن نظم - غیرعادلانه و شرک‌آمیز - کنونی جهان نیز است (علینقی، ۱۳۸۰: ۲۶). پس یکی از اهداف و دلایل شکل‌گیری محور مقاومت مقابله با آمریکا و نظام سلطه و نظم آمریکایی حاکم بر جهان و منطقه خاورمیانه است و تداوم این محور نیز به تأمین این منفعت ایدئولوژیک ایران کمک نموده است.

در خاورمیانه با وجود طیف‌های مختلف محافظه‌کار و حتی لیبرال اسلام‌گرا برخی گروه‌ها از انقلاب اسلامی بسیار تأثیر پذیرفتند و الگوی رفتاری خود را بر اساس شاخص‌های اسلام سیاسی (انقلابی) پایه‌ریزی نمودند. گسترش روحیه‌ی انقلابی در برخی از کشورهای این منطقه (مانند لبنان، فلسطین اشغالی، عراق، یمن و بحرین و حتی سوریه) الهام‌گرفته از مدل‌کنش سیاسی انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های ضدامپریالیستی آن است (متقی، ۱۳۹۱: ۲۰۸-۲۰۳). شکل‌گیری محور مقاومت و تداوم آن نیز منجر به تقویت این برداشت از اسلام در سطح خاورمیانه و حتی در سطح بین‌المللی گردیده است. این امر منفعتی ایدئولوژیک برای ایران است. این اقدام ایران در راستای اصل و استراتژی صدور انقلاب است، که نمود آن گسترش فرهنگ و هویت مقاومت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

تقویت جایگاه ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعی، یکی از کارکردها، تأثیرات و پیامدهای اتحاد ایران و حزب الله به عنوان یکی از مهم ترین صف بندی های درون محور مقاومت است. این امر از یک سو ناشی از تأثیرگذاری زیاد اسلام سیاسی شیعی در ایجاد و تقویت اتحاد استراتژیک ایران و حزب الله است؛ زیرا در این رابطه اهمیت بنیادین ایدئولوژی انقلابی ایران و نسخه ی شیعی اسلامی آن به خوبی آشکار است. این امر از سوی دیگر نمودی از وفادارای و تعهد به اصول اساسی جهان بینی اسلامی ایران در تقسیم جهان به ستم دیده گان و مظلومان (Oppressed) (مستضعفان) و ستمگران (Oppressors) (مستکبران) است. در این رویکرد، آمریکا و اسرائیل به عنوان مهم ترین دولت های ستمگر (و مستکبر) علیه مسلمانان محسوب می شوند. این پلت فرم (Platform) و قالب مذهبی و ایدئولوژیک بستر لازم را برای مشارکت استراتژیک ایران با حزب الله را فراهم نموده است (Akbarzadeh, 2016:127). در عین حال این امر را با قدرت یابی گروه ها و جنبش هایی که از الگوی رفتاری و عملیاتی حزب الله در مقابله با اسرائیل - و آمریکا - بهره گرفته اند می توان دید، نمود این امر ایجاد حشدالشعبی در عراق در مقابله با داعش، ایجاد انصارالله در یمن و حتی افزایش تحرک و جایگاه جنبش هایی مانند حماس و جهاد اسلامی در صحنه ی فلسطین است. از منظر سازه انگاری تحلیل اتحاد ایران و حزب الله و سایر متحدان شیعی ایران بر اساس هویت اسلامی - شیعی و انقلابی طرفین انجام می شود و رابطه ی ایران با حماس و جهاد اسلامی بر اساس هویت اسلامی و خوانش انقلابی از آن استوار است. بستر ناشی از اشتراکات ایدئولوژیک بین ایران و جنبش های متحدش نه تنها منجر به نزدیکی بازیگران دولتی و غیردولتی شیعی در این اتحاد شده است بلکه منجر به نزدیکی و اتحاد بازیگرانی سنی مانند حماس و جهاد اسلامی به ایران گردیده است. به عبارت دیگر این اتحاد نه تنها متأثر از اسلام انقلابی ایران بوده است بلکه تقویت و قدرت یابی روزافزون آن، جایگاه اسلام انقلابی ایران را در سطوح منطقه ای و بین المللی و حتی فراتر از جهان اسلام ارتقاء داده است.

از ابتدای دوران بعد از انقلاب اسلامی، تفکر و هویت انقلابی ایران، ارزش ها و هنجارهای مسلط جهانی را به چالش کشیده، نظم حاکم بر مناسبات و روابط بین المللی را تهدید نموده و کانون های مقاومت را در برابر قدرت هژمونیک جهانی بسیج نموده و متغیرهای بی بدیلی را (مانند جنبش های مقاومت اسلامی) به کالبد سیاست بین الملل تزریق نموده است. با توجه به وجود این تعارض فکری در قالب نوعی نبرد ایدئولوژیک میان جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران نظام بین الملل که از ایدئولوژی های متعارض دیگری (مانند لیبرالیسم و یا اسلام

تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ... (محسن باقری و دیگران) ۲۱

سلفی- تکفیری) بهره می گیرند، تلاش برای کنترل و مهار جمهوری اسلامی ایران به عنوان سردمدار اسلام گرایی سیاسی (انقلابی) و معارض در سطح بین المللی و منطقه ای شدت گرفته است؛ زیرا مهار جمهوری اسلامی ایران به مثابه جلوگیری از گسترش اسلام سیاسی (انقلابی و هویت مقاومت) است. از این رو جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی تلاش می کند اسلام سیاسی مورد نظر خویش را احیاء و با بازیگری به نام «اسرائیل» که نیروی اصلی مهارکننده اسلام سیاسی (در سطح فکری و عملی در منطقه) است مبارزه کند. از این رو مبارزه با اسرائیل، تلاش برای حفظ و استمرار اسلام سیاسی است که آن رژیم به دنبال از بین بردن آن است. این منازعه نیز نه تنها حالت سلبی ندارد، بلکه برای تأمین امنیت، منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران ضروری است. در حقیقت ایران در برابر تقابل فکری و سیاسی شکل گرفته، در جهت حفظ امنیت خود رهیافتی عقلانی اتخاذ نموده است؛ زیرا برای حفاظت از انگاره های اسلامی و فکری به مقابله با یکی از عوامل امنیت زدا و تهدیدکننده خود می پردازد (دهقانی و وهاب پور، ۱۳۹۲: ۸۲-۷۷، ۲۲۵-۲۲۳). این رویکرد ایران بر اساس دفاع از منافع ایدئولوژیک و امنیت هویتی، و مؤلفه ها و مبانی تشکیل دهنده ی آن است. البته در این نبرد ایدئولوژیک، اسرائیل تنها نیست و برخی دولت های اسلامی مانند عربستان سعودی با اسلام سلفی تکفیری در حال تقابل با ایران هستند. در این مسیر نیز تقابل جنبش انصارالله با عربستان سعودی به عنوان سردمدار اسلام آمریکایی به تعبیر امام خمینی (ره) و حامی اسرائیل و متحد آمریکا، در راستای تقویت هویت اسلامی-انقلابی ایران ارزیابی می شود.

جمهوری اسلامی ایران با پیگیری تجدیدنظرطلبی، مشروعیت نظام بین الملل موجود را زیر سؤال می برد. جهت گیری تجدیدنظرطلبانه ی ایران به دنبال حمایت و ارتقاء منافع اسلامی (یا ایدئولوژیک) است که آن هم از طریق مقابله با سلطه هر یک از قدرت های بزرگ در نظام بین الملل و نیز صدور انقلاب در سراسر جهان انجام می شود (رمضانی، ۱۳۸۲: ۶۰-۵۹). از این رو تجدیدنظرطلبی و تلاش برای تغییر و یا اصلاح نظم بین المللی موجود به وسیله ی گسترش همکاری با دولت ها (و بازیگران غیردولتی) انقلابی و تجدیدنظرطلب یکی از رویه ها و عادات رفتاری ایران برای تثبیت و تقویت هویت اسلامی و انقلابی و امنیت هستی شناختی آن است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۹) بر این اساس، ایجاد اتحاد با سوریه و به صورت خاص با جنبش های اسلامی حزب الله، حماس و جهاد اسلامی، انصارالله و گروه های شیعی عراقی و تلاش برای گسترش دامنه ی اعضای اسلامی این محور با هدف مقابله با وضعیت موجود و نظم حاکم بر نظام بین الملل بوده است. موفقیت های محور در تقابل با نظام سلطه که

نمود آن آمریکا و اسرائیل است و تداوم این اتحاد، این مؤلفه‌ی هویتی جمهوری اسلامی ایران را تعمیق بخشیده و امنیت هستی‌شناختی آن را تأمین می‌کند. حزب‌الله و متحدان شیعی ایران نیز به پیروی از ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعی امام خمینی، نظام بین‌الملل کنونی را نامطلوب می‌دانند و درصدد بازتعریف آن هستند. این امر البته با رویکردی اسلامی و انقلابی مورد توجه حماس و جهاد اسلامی نیز هست. از منظر سازه‌انگاری اقدام ایران در جهت تقویت هویت اسلامی و انقلابی و امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران است.

از جمله نمودهای دیگر تلاش ایران برای مقابل با نظم و هنجارهای سکولار و لیبرال حاکم بر جهان، اقدامات ایران در پیگیری استقرار نظم منطقه‌ای اسلام‌گرای انقلابی در خاورمیانه در مقابل نظم‌های سلفی و اخوانی (لیبرال) هم‌سو با آمریکا، اسرائیل و غرب است. نظم اسلام‌گرایی انقلابی ایران، رویکردی تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظم سیاسی و امنیتی جهان و منطقه دارد و دارای ماهیت‌هایی بخش در مقابل نظم‌های سلطه‌پذیر- اسلام سلفی عربستان و اسلام میانه‌رو و لیبرال اخوانی ترکیه و قطر- است. نظم انقلابی ضمن نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری در سطوح ملی و منطقه‌ای، خواهان خارج نمودن رژیم اسرائیل (و متحدان غربی آن) از معادلات قدرت منطقه‌ای است. در دوران بعد از یازده سپتامبر به ویژه مواضع ضدآمریکایی و ضداسرائیلی ایران به همراه موفقیت متحدین منطقه‌ای آن- در قالب محور مقاومت- مانند حزب‌الله در جنگ ۲۰۰۶ با اسرائیل (و نیز پیروزی‌های متحدین ایران در عراق، یمن و سوریه و فلسطین اشغالی) در کنار افول جایگاه عربستان و متحدین محافظه‌کار آن در قدرت منطقه‌ای پس از یازده سپتامبر (و حتی بعد از تحولات بهار عربی) منجر به ارتقای جایگاه و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و به ویژه در زیرمجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس (و نیز شامات) گردیده است. بر پایه‌ی این قدرت منطقه‌ای که دارای ماهیت ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک است ایران تلاش نموده است الگوی نظم انقلابی خویش را در مناسبات امنیتی خاورمیانه مسلط سازد (صالحی، ۱۳۹۱: ۹۴-۸۵). اقدامات ایران و متحدان و مؤتلفانش در پیگیری نظم سیاسی و امنیتی مورد نظر خویش در خاورمیانه، و نظام بین‌الملل، چالشی برای نظم، منافع، هویت و هنجارهای مبتنی بر سکولاریسم و لیبرالیسم در سطوح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی و نیز منافع استراتژیک غرب در این نظام است.

یکی دیگر از نتایج و تأثیرات محور مقاومت بر منافع ایدئولوژیک و امنیت هویتی ایران، گسترش مفهوم و فرهنگ مقاومت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است که نمود آن را می‌توان در منطقه و دنیای اسلام، پیاده و روی اربعین در عراق دانست، این امر ناشی از ارتباط مفهوم و

فرهنگ مقاومت با جایگاه خاص امام حسین(ع) در بین شیعیان است. اهمیت این امر به گونه‌ای است که رسانه‌ها و تحلیل‌گران غربی نیز به آن توجه نموده‌اند از جمله می‌توان به پژوهشی با عنوان «به کربلا: بازدید مذهبی شیعه از ایران به عراق» (To Karbala: Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq) که توسط کریستین (Christia) و همکاران در دپارتمان علوم سیاسی «انستیتو تکنولوژی ماسوچست» (Massachusetts Institute of Technology) انجام شده است اشاره نمود. این محققان، قیام امام حسین(ع) در مقابل یزید و شهادت ایشان در روز عاشورا را اقدامی در راستای مقابله و مبارزه با بی‌عدالتی با قربانی کردن خویش می‌دانند که (مفهوم و فرهنگ) «مقاومت» (Resistance) (و پایداری) را در مذهب شیعه به نمایش گذاشت. از نظر آنها گردهمایی «اربعین» (Arba'een) امام حسین(ع) در قالب پیاده‌روی) از یک‌سوئشان دهنده جشنی برای بزرگداشت یک قهرمان برای شهادتش است و نیز تفکر صحیح فردی است که به عنوان «سرور شهیدان» (Sayyid al-Shuhada) یا «سیدالشهداء» نامیده می‌شود و از سوی دیگر با توجه به اهمیت و پاداش بسیار زیاد معنوی که زیارت حرم امام حسین(ع) در زندگی شیعیان - حتی در مقابل حج - داراست، با نگاهی به حضور (چندین میلیونی و) غیرالزامی شیعیان در این مراسم، آن هم در مقابل وجوبی که حج دارد، معتقدند این مراسم نه تنها معنویت و پرستیژ و شأن را توأمان برخوردار است بلکه قدرت و همبستگی شیعیان را نیز به نمایش می‌گذارد. اهمیت این مراسم به حدی است که برابر گزارش این محققان غربی در سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۲ میلیون زائر در مراسم اربعین امام حسین در کربلا حضور پیدا کرده‌اند که این امر بیش از ده برابر شرکت کنندگان در مراسم حج همان سال است (Christia et al. 2016:2, 12) و به بیان دیگر این امر در عین حال پتانسیل مقاومت و اعتراض را در اختیار شیعیان می‌گذارد، این ویژگی در محور مقاومت از شیعیان حزب‌الله به جنبش‌های سنی حماس و جهاد اسلامی انتقال یافته است و حتی می‌توان گفت منجر به جهانی شدن فرهنگ و هویت مقاومت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است. که از جمله نموده‌های آن می‌توان تقویت روحیه ایستادگی در جنبش‌ها و حتی دولت‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب در منطقه و نظام بین‌الملل (از جمله در آمریکای لاتین و آفریقا) اشاره نمود که متأثر از فرهنگ مقاومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران بوده است و منجر به آن شده که در نزد بسیاری از این بازیگران توجه به محوریت دین و مسائل متافیزیک افزایش یابد. به بیان دیگر در اثر موفقیت‌های ایران و متحدانش در محور مقاومت در مقابل نظام سلطه، فرهنگ و هویت مقاومت به سایر بازیگران و مناطق مستعد، تسری یافته است. در منطقه می‌توان گفت نمود این امر کشور عراق است که با

مقاومت گروه‌های شبه نظامی شیعی (نزدیک به ایران) مقابل آمریکا در دوران اشغال، توانست بخش اعظم نیروهای آمریکایی را مجبور به خروج از عراق کند و در مقابل داعش نیز، با فتوای آیت‌الله سیستانی مقابله کند یا مقاومت فلسطینی‌ها و حزب‌الله در مقابل اسرائیل، انصارالله مقابل عربستان و نیز دولت سوریه در مقابل طیف مختلفی از دشمنان مقاومت در منطقه نیز در این چارچوب قابل تحلیل است. حتی می‌توان مقاومت برخی از کشورهای آمریکای لاتین مانند ونزوئلا مقابل آمریکا را در راستای تقویت فرهنگ و هویت مقاومت قلمداد نمود.

بنابراین مفهوم «مقاومت» (Resistance) در اتحاد ایران با متحدانش نیز از اهمیت زیادی در ابعاد ایدئولوژیک و استراتژیک برخوردار است؛ زیرا مقاومت در مقابل اسرائیل به عنوان رژیمی که اقدام به اشغال سرزمین‌های اسلامی نموده است و نیز مقاومت مقابل آمریکا به عنوان ابرقدرتی که سلطه‌گر و حامی اسرائیل است از مهم‌ترین اهدافی بوده است که در تشکیل «محور مقاومت» (Axis of Resistance) نقش اساسی را ایفا نموده‌اند. از این منظر بود که در لبنان، شیعیان مبارز آن تحت تأثیر این ایدئولوژی انقلابی ایران قرار گرفتند و با آن همگرا شدند که نتیجه‌ی آن ایجاد حزب‌الله بود جنبشی که (مشارکت استراتژیک آن با ایران و سوریه و) ایستادگی و مبارزه‌ی آن مقابل اسرائیل توانایی این جنبش و این ایدئولوژی را به نمایش گذاشت. از این رو ایران با اقتدار می‌تواند از پیروزی حزب‌الله (در مقابل اسرائیل و گروه‌های سلفی تکفیری) یاد نماید و بهره بگیرد و بر نقش خود در مبارزه‌ی ضداسرائیلی در جهان اسلام تصریح و تأکید نماید (Akbarzade, 2016: 140). البته عملکرد سایر متحدان سنی و شیعی ایران در فلسطین اشغالی، عراق و یمن نیز نشان‌دهنده‌ی کارکرد آنها در ضدیت با نظام سلطه و بهره‌گیری آنها از مفهوم مقاومت است.

در راستای گسترش مفهوم و فرهنگ مقاومت است که رویکرد و اقدامات ایران در ایجاد ترتیبات امنیتی مقابل آمریکا درست در نقطه مقابل گفتمان این کشور قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های شیعی و ماهیت اعتراض‌آمیز آن در پاسخ به مطرح شدن عنوان «محور شرارت» یا دولت‌های سرکش و یاغی توسط آمریکا، تلاش نموده است در مقابل آن گفتمان‌سازی نماید و از اتحاد ایران و سوریه، حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی به عنوان «محور یا جبهه‌ی مقاومت» نام می‌برد. جالب اینجاست که این عنوان دقیقاً در دهه‌ی ۲۰۰۰ و پس از اعلام محور شرارت از سوی بوش مطرح می‌گردد. در سال‌های اخیر عناوین دیگری از قبیل جبهه مقاومت نیز در ادبیات سیاسی مقامات رسمی ایران نیز در اشاره به این اتحاد اشاره شده است. این امر از یک سو با هدف ایجاد مشروعیت بخشی به محور مقاومت و

چالش آفرینی در مقابل گفتمان آمریکایی مطرح شده است و از سوی دیگر با هدف تحکیم پیوندهای درون اتحادی و بین اعضای آن تکرار می‌شود.

۵.۵. مقابله با برتری طلبی عربستان سعودی در سطح منطقه‌ای

یکی از کارکردهای منطقه‌ای محور مقاومت برای ایران به انگیزه‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی عربستان سعودی و ترکیه در منطقه برای استقرار الگوی نظم سیاسی و امنیتی منطقه‌ای مورد نظر خویش می‌گردد که در سال‌های اخیر با حمایت از گروه‌های سلفی تکفیری مانند داعش در مقابل گروه‌هایی مانند حزب الله پیگیری شده است. به عبارت دیگر جدا از تلاش این دو کشور برای افزایش قدرت و احساس خطر از تحرک ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، آنها از افزایش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و شیعیان هم سو با این کشور که از بغداد، دمشق و بیروت و صنعا و منامه گسترده شده اند احساس خطر کرده و با ایجاد یک اتحاد متشکل از قدرت‌های فرامنطقه‌ای از قبیل آمریکا، اسرائیل و غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای و نیز سایر بازیگران غیردولتی، در مقابل محور مقاومت ایستاده اند، آنها با جنگ نیابتی توسط عاملان خویش و در مواقعی جنگ مستقیم در مقابل شیعیان به ویژه حزب الله لبنان، انصارالله یمن و سایر تشکل‌های شیعی در عراق و سوریه به دنبال آن بودند تا از این طریق ضمن مهار ایران نسبت به تغییر وضع موجود منطقه به نفع خود و تأمین و منافع و امنیت رژیم‌های خویش و سایر متحدانشان از جمله اسرائیل اقدام نمایند. در پاسخ به این اقدامات بوده است که ایران با کمک حزب الله و سایر گروه‌های شیعی هم سو از جمله انصارالله و شبه‌نظامیان شیعی عراقی، و نیز با کمک سایر اعضای محور مقاومت (و روسیه)، فعالانه در مقابل طرح‌های محور آمریکا برای منطقه و به صورت خاص تمامیت و حاکمیت ارضی و آینده نظام‌های سوریه و عراق و یمن ایستاد و به صورت واقعی و نه صوری به مقابله با گروه‌های تروریستی سلفی تکفیری از جمله داعش نیز اقدام نمود. از جمله نمودهای موفقیت‌های ایران و برتری نظم منطقه‌ای انقلابی آن را می‌توان در غلبه‌ی محور ایران و متحدان و مؤتلفانش بر طرف‌های مقابل در بحران‌های سوریه، عراق، لبنان، یمن - و حتی در غزه - و خروج نیروهای آمریکایی از سوریه و عراق و نیز افغانستان دانست.

بسیاری از تضادهای ایران و عربستان سعودی از منظر هویتی قابل تحلیل است؛ زیرا الگوی رفتاری عربستان در برخورد با ایران در مناطق مختلفی از قبیل لبنان، سوریه، عراق، یمن، لیبی و حتی افغانستان در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر عناصر هویتی بوده است. در این بین

سلفی‌گری زیربنای تفکر وهابیت عربستان را تشکیل داده و در ترکیب با آن منجر به تشکیل اندیشه‌های تکفیری شده است. این اندیشه زمینه‌ساز مؤلفه‌های هویتی و ایدئولوژیکی گردیده است که به گسترش بحران‌های امنیتی و رادیکالیزه شدن خاورمیانه انجامیده است (نمود این تقابل هویتی ابتدا در افغانستان و سپس در عراق خود را نشان داد). در سال‌های اخیر سوریه را می‌توان خط مقدم منازعه ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک بین ایران و عربستان دانست. البته در کشورهای دیگر از قبیل عراق، لبنان، بحرین و یمن نیز این منازعه به اشکال مختلف تداوم یافته است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۸۴).

رهبران آمریکا و عربستان تلاش می‌کنند از طریق تصاعد بحران‌های منطقه‌ای با چالش‌های امنیتی ایران و گروه‌های هویتی هم‌سو با این کشور مقابله کنند. از این رو بود که اسرائیل در جنگ ۲۰۰۶ با حزب الله، تلاش نمود ایران را در منازعات منطقه‌ای درگیر کند و یا در دسامبر ۲۰۰۸ نیز در جنگ علیه حماس نیز این سناریو مجدداً تکرار شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۶). سایر بحران‌های منطقه‌ای مانند حضور و قدرت‌یابی داعش در عراق و بحران سوریه و یمن نیز با این اهداف تداوم یافته‌اند. به عبارت دیگر علی‌رغم تبلیغات رسانه‌ای محور آمریکا علیه ایران و محور مقاومت، آمریکا و متحدان آن هستند که با ابزار و مؤلفه‌ی هویتی به دنبال نبردی نیابتی با ایران هستند. به بیان دیگر آنها تلاش می‌کنند نقطه‌ی قوت محور مقاومت یعنی هویت مشترک، تأکید بر عنصری از قبیل مقاومت و جهاد را به تهدیدی علیه این محور و ایران تبدیل نمایند و از این طریق با درگیر کردن ایران به منازعات و بحران‌های منطقه‌ای زمینه‌سازی فرسایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در مقابل اسرائیل، عربستان و در سطح کلان‌تر آمریکا را فراهم کنند.

شرایط فوق‌نشان‌دهنده‌ی تعارض شدید ایران و عربستان و جنگ سرد بین آنهاست و از سوی دیگر تهدید منافع ایدئولوژیک و استراتژیک ایران از سوی اقدامات عربستان سعودی بوده است. از این رو با توجه به رقابت ژئوپلیتیک و تضاد ایدئولوژیک و هویتی عربستان با ایران، این کشور ضمن ایفای نقش فعال در ایجاد و تقویت سایر گروه‌های سلفی تکفیری مانند داعش و جبهه‌النصره به دنبال بهره‌برداری از فرصت ایجاد شده در اثر تحرک شدید این گروه‌ها در خاورمیانه در راستای دستیابی به برتری ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در خاورمیانه و جهان اسلام است که در این مسیر کاهش قدرت، نفوذ و نیز امنیت ملی (فیزیکی) ایران با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله تهدید امنیت داخلی ایران، از اهداف و ابزارهای اساسی عربستان سعودی است. در این بین محور مقاومت به مرکزیت ایران نقشی اساسی در مقابله با اقدامات

عربستان و گروه های نیابتی آن و تهدیدات آن علیه جمهوری اسلامی ایران و فراتر از آن سرزمین ایران ایفا نموده است و با برتری طلبی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان در خاورمیانه به مقابله برخاسته است که نمودهای این امر مقابله ی ایران و متحدان غیردولتی آن با گروه های سلفی - تکفیری در سوریه و عراق و جلوگیری از تجزیه ی این کشورها و نیز تقابل انصارالله در یمن با عربستان سعودی و حتی متحدان ایران در لبنان و عراق با نیروهای حامی منافع و سیاست های عربستان سعودی بوده است.

۶. نتیجه گیری

بررسی اتحاد ایران با سوریه و به ویژه با حزب الله، حماس و جهاد اسلامی و نیز انصارالله و شبه نظامیان شیعی عراقی که از آنها به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ی محور مقاومت نام برده می شود نشان دهنده ی آن است که فراتر از منافع استراتژیکی که این اتحاد منجر به تأمین آنها شده است، منافع و اولویت ها و اشتراکات ایدئولوژیک در مرحله ی اول منجر به شکل گیری این روابط (به صورت خاص بین ایران و جنبش های مقاومت در منطقه) و تبدیل آن به شرایط اتحاد گردیده است. این بررسی حاکی از آن است که از جمله اهداف اساسی ایران از اتحاد با این بازیگران - به ویژه بازیگران غیردولتی - تأمین آن دسته از منافع است که با نظام ارزشی، ایدئولوژیک، باورها و ملاحظات عقیدتی جمهوری اسلامی ایران هم خوان است. این اتحاد در مقابل اسرائیل و آمریکا به منافع ایدئولوژیک ایران خدمت می کند که این امر با تقویت فرهنگ و هویت مقاومت در مقابل هویت های متعارض (مانند سلفی تکفیری، و نیز هویت لیبرال غربی) و ائتلاف ها و اتحادهای مقابل (مانند اتحاد آمریکا با اسرائیل و هم پیمانان منطقه ای مانند عربستان سعودی و فرامنطقه ای آنان) در سطوح منطقه ای و حتی بین المللی است، در این مسیر، گروه های هویتی هم سو با انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا می کنند. در عین حال جمهوری اسلامی ایران با شکل گیری، حفظ و تداوم محور یا جبهه مقاومت، ضمن تقویت استقلال طلبی و تأمین عزت خویش، تأکیدی بر ماهیت اسلامی - انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران می کند. ایران با تقویت عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده ی این هویت به مقاومت و مقابله ی ایدئولوژیک با نظام سلطه به رهبری آمریکا و نیز هویت های هم سو با آن در خاورمیانه می پردازد که نمودهای آن تقابل با هویت صهیونیستی رژیم اسرائیل، و نیز هویت سلفی - تکفیری (یا وهابی) برخاسته از عربستان سعودی است. به صورت خاص در خصوص عربستان سعودی، ایران با تأکید بر این اولویت های ایدئولوژیک به دنبال آن است

که در جنگ سرد ایدئولوژیک- و البته استراتژیک- با عربستان سعودی، موازنه را به نفع خویش تغییر دهد. در عین حال از جمله مهم ترین منافع ایدئولوژیک ایران در محور مقاومت، حفظ و تقویت آرمان فلسطین و احقاق حقوق فلسطینی‌ها، حفظ و تشدید و تقویت منازعه با اسرائیل و مقابله با تهدید وجودی و تلاش برای نابودی آن است، که به عنوان ابزاری در اختیار ایران است که از یک سو ضمن آنکه مشروعیت داخلی خود را به عنوان نظامی اسلامی و انقلابی، و نیز نفوذ منطقه‌ای خویش را از بعد مبارزه با اسرائیل و حمایت عینی از فلسطینی‌ها حداقل در بین ملت‌های اسلامی ارتقا می‌دهد، از سوی دیگر از طریق آن به دنبال تأمین هدف بلندمدت تأمین امنیت فیزیکی و هستی‌شناختی خود و نیز ارتقای قدرت منطقه‌ای، عمق استراتژیک و توان بازدارندگی است.

اتحاد موسوم به محور مقاومت نه در تنها در تقابل‌های دوجانبه‌ی ایران با رژیم اسرائیل یا آمریکا و یا عربستان ایفای نقش نموده است بلکه در سطحی کلان‌تر یعنی منطقه‌ای نیز منافع ایدئولوژیک ایران را تأمین نموده است. این امر ناشی از اهمیت نقشی است که حزب الله و سایر متحدان اسلام‌گرای انقلابی ایران مانند حماس، جهاد اسلامی و حتی انصارالله و شبه‌نظامیان شیعی متحد ایران در عراق در قالب حشدالشعبی، در نظم سیاسی-امنیتی خاورمیانه ایفا نموده‌اند و به ارتقاء جایگاه ایران و محور مقاومت در نظم منطقه‌ای خاورمیانه در مقابل نظم‌های سلفی و اخوانی منجر شده است.

با نگاهی به یافته‌های این پژوهش به خوبی می‌توان گفت که نه تنها تأمین منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت تأثیرگذار بوده است بلکه اقدامات محور و تداوم آن نیز به تقویت این مؤلفه‌ها منجر گردیده است. بنابراین باید گفت اتحاد ایران با متحدانش در محور مقاومت ضمن تأمین منافع و اولویت‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران منجر به تقویت امنیت هستی‌شناختی و هویتی جمهوری اسلامی ایران گردیده و با تهدیدات علیه هویت جمهوری اسلامی ایران نیز همانند تهدیدات علیه امنیت فیزیکی آن و یکپارچگی و بقای سرزمینی ایران مقابله نموده است. از این رو است که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم فشارهایی که از سوی نظام سلطه بر آن تحمیل شده است، همچنان بر سیاست منطقه‌ای خود در حمایت از جنبش‌های مقاومت اسلامی در منطقه تأکید می‌نماید و آن را تأمین‌کننده امنیت هویتی، منافع حیاتی ایدئولوژیک و منافع استراتژیک خویش در خاورمیانه می‌داند.

کتابنامه

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله) (۱۳۸۰/۲/۴). «بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین»، وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، قابل دسترسی در آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3061>
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله). (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). «خطبه‌های نماز جمعه تهران»، وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، قابل دسترسی در آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله). (۱۳۹۲/۶/۱۴). «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، قابل دسترسی در آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (آیت‌الله). (۱۳۹۳/۹/۴). «بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»»، وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، قابل دسترسی در آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28278>
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل»، در (به کوشش) جلال درخشه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- خانی، محمدحسن و محمدی‌سیرت، حسین (۱۳۹۵). «تأثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۲). «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رستمی، فرزاد و غلامی حسن‌آبادی، مسلم (۱۳۹۴). «امنیت هستی‌شناختی و استمرار مناقشه هسته‌ای»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۲). «صدور انقلاب، سیاست، اهداف و وسایل» در جان‌ال‌اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر‌شانه‌چی، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- صالحی، حمید (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و تکوین نظم منطقه‌ای در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۰). نگاهی به مسائل امنیتی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گازیوروسکی، مارک (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی دست‌نشانده در ایران، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.

- مصطفی نژاد، عباس (۱۳۹۱). پیامدهای بی ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۳.
- مصطفی نژاد، عباس (۱۳۹۴). «سیاستگذاری راهبردی در مدیریت بحران امنیتی یمن»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۳.
- نساج، حمید، گودرزی، مهناز و گذرزی طاقانکی، یدالله (۱۴۰۰). «مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی به انترناسیونالیسم اسلامی»، فصلنامه راهبرد، سال سی ام، شماره ۹۹.
- هوپف، تد (۱۳۹۳). «نوید مکتب برسازی برای نظریه‌ی روابط بین‌الملل»، در: اندرو لینکلتر، نواقع‌گرایی، نظریه‌ی انتقادی و مکتب برسازی، تهران، اداره نشر وزارت خارجه.
- یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰). «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱.

- Abedin, Mahan (2011). "The Domestic Determinants of Iranian Foreign Policy: Challenges to Consensus", *Strategic Analysis*, Volume 35, No. 4.
- Akbarzadeh, Shahram (2016). "Why does Iran need Hizballah?", *The Muslim World*, Volume 106, Issue 1.
- Bank, André and Mohns Erik (2012), "Syrian Revolt Fallout; End of the Resistance Axis?" *Middle East Policy*, Volume XIX, No. 3.
- Barnett, Michael N. (1996). "Identity and Alliances in the Middle East", In Peter J. Katzenstein, *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*, New York, Columbia University Press
- Nuechterlein, Donalde (1976). "National interests and foreign policy: A conceptual framework for analysis and decision-making" *British Journal of International Studies*, Vol. 2, No. 3.
- Ospina Mariano V. and Gray David H. (2014). "Syria, Iran, and Hizballah: A Strategic Alliance", *Global Security Studies*, Volume 5, Issue 1.
- Zweiri Mahjoob (2016), "Iran and Political Dynamism in the Arab World; the Case of Yemen", *Digest of Middle East Studies*, Volume 25, No 1.
- Takeyh, Ray (2009). *Guardians of the Revolution: Iran and the World in the Age of the Ayatollahs*, New York, Oxford University Press.